

جنبه‌های روانی - زبانی خواندن

جنبه‌های زبانی خواندن

سالیان متعددی بود که زبانشناسان خواندن را فقط در شناسایی حروف و کلمات و تبدیل آنها باصوات می‌دانستند، اما امروزه، روانشناسان زبان دریافته‌اند که خواندن تنها تمایزات بصری حروف و کلمات را دربر نمی‌گیرد بلکه مراحل پیچیده‌تری را بدنبال دارد که با تشخیص حروف، شناسایی کلمات و تمایزات بصری آغاز می‌گردد و با شکل عقیده، پیش‌بینی نظرات بر اساس مطالب خوانده شده در متن و بالاخره درک مفهوم منظور نویسنده ادامه می‌یابد. خواندن مشتمل بر مراحل شکل، تأیید، رد عقاید و تعبیر و تفسیر معانی است. بهنگام درک مفهوم یک مطلب خواندنی، خواننده نه تنها باید کلمات را بشناسد، بلکه باید آنها را در بافت ظاهر شده تعبیر نماید تا بتواند مطالب را باهم ارتباط داده و در نتیجه مفهوم اصلی پیام را درک نماید.

خواندن، تشخیص و تمایز نمادهای نوشتاری است و درک مفهوم، استخراج معنی کلمات و عبارات در متون مربوطه است. خواندن بهیچوجه صورت نمی‌پذیرد مگر آنکه خواننده قادر به شناسایی حروف و ترکیبات و توزیع آن حروف و تشخیص مرزهای داخلی و خارجی کلمات بر روی صفحه باشد.

بلوم فیلد و بارنهارت^(۱) (۱۹۶۱) خواندن را شامل یک سلسله مراحل تبدیل صوت به نوشته می‌دانند ولی زیاد اهمیتی به معنی نمی‌دهند. آنها اعتقاد دارند که خواننده بهتر می‌تواند کلمات را درک کند، اگر که قبلاً "آنها را شفاها" آموخته باشد و با آن کلمات آشنایی صوتی داشته باشد. گیسون، شرکلیف و یوناس^(۲) (۱۹۷۵) با عقیده بلوم فیلد موافق هستند و می‌گویند که کلمات "قابل تلفظ" از کلمات "غیر قابل تلفظ" زودتر در متن شناسایی می‌شوند.

فریز^(۳) (۱۹۶۳) هم مانند بلوم فیلد خواندن را حاکی از ارتباط بین پاسخ‌های بصری و پاسخ‌های سمعی که از پیش فرا گرفته شده می‌داند. او تکیه بر "روش کلمه"^(۴) می‌نماید، اما برخلاف بلوم فیلد تهجیه کلمات را رد می‌کند. فریز طرفدار خواندن کلمات،

عبارات کامل یا جملات معنی دار است. او بیش از بلوم فیلد به معنی اهمیت می دهد و اعتقاد دارد که معنی باشناخت ساختمان دستوری جمله حاصل می گردد. بنابراین او حتی از " کلمه " هم بسطی بالاتری می رود.

فریز سه مرحله را در خواندن مشخص می سازد: (۱) انتقالی (۲) مولد (۳) خلاقه. مرحله انتقالی، ترجمه اصوات به نمادهای نوشتاری است. مرحله مولد، پاسخ به معانی و مرحله خلاقه مستلزم بکار انداختن تخیل برای درک معانی گوناگون متن است.

لوفور (۵) (۱۹۶۴) در خواندن بیشتر توجه به ساختمان جمله دارد تا تبدیل اصوات به حروف. او "روش کلمه" را رد می کند و جمله را واحد معنی دار می شناسد. او از بلوم فیلد و فریز برای اهمیتی که به کلمه و واحدهای کوچکتر از جمله داده اند انتقاد می نماید، زیرا معتقد است که کلمات به تنهایی دارای معانی مشخصی نیستند، بلکه معانی خود را از متونی که در آنها ظاهر می شوند کسب می نمایند. او عقیده دارد که بلوم فیلد و فریز با اهمیت به کلمات، " کلمه خوانی" را تشویق می کنند. لوفور می گوید فقط اشکال در فهم ساختمان جمله است که درک مفهوم را دشوار می سازد و کلمات در فهمیدن یا بد فهمیدن متن آنقدر که جمله تاثیر دارد اهمیت ندارند.

لوفور بیش از هر چیز به جنبه های صوتی خواندن اهمیت می دهد. وی تاکید می نماید که شناخت آهنگ جمله یکی از عوامل موثر استنتاج معنی متن می باشد. معانی جملات در تلفظ واضح تر می شوند. بلوم فیلد، فریز و لوفور همه با روساز (۶) جمله سروکار دارند، حال آنکه چامسکی (۷) (۱۹۵۷) بین "روساز" و "ژرف ساز" (۸) فرق اساسی قائل است. او "ژرف ساز" جمله را نشانگر معنی و "روساز" جمله را نمایانگر شکل ظاهری جمله می داند. بنابراین درک مفهوم متن ارتباط با فهم "ژرف ساز" جمله دارد.

در خواندن یک جمله، دستور دانان سنتی و ساختاری با یک سطح جمله و دستور دانان گشتاری با دو سطح ظاهری و مفهومی جمله که دلالت بر شکل و معنی و ساختمان فکری می نماید سروکار دارند.

در اینجا باید متذکر شد که پرلماتر (۹) (۱۹۷۲) به چامسکی و دیگر گشتاریون ایراد می گیرد، زیرا او معتقد است که تبدیلات در جمله بقدری قدرتمند هستند که می توانند اجزای جمله را جابجا یا حذف کنند و یا اینکه با اجزای جمله اضافه نمایند و در نتیجه ژرف ساز جمله را دگرگون سازند. او برای این مشکل "فیلتری" برای "ژرف ساز" پیشنهاد می نماید تا ساختمان های دستوری غیر قابل قبول را از ساختمانهای دستوری قابل قبول متمایز سازد.

این اجزای خواندن یک مهارت پذیرنده است بدین معنا که خواننده فقط

جذب می‌نماید بدون اینکه خود چیزی ایجاد نماید. بنابراین نظریه دستورگشتاری برای مقاصد درک مفهوم و استنتاج معنی کاملاً مناسب است چون با دوسطح جمله سروکار دارد و ساختمان تفکر در آن مطرح است.

رودل (۱۰) (۱۹۷۰) عقیده دارد که خواندن مستلزم شناخت جملات جدید، تمایز مابین جملات دستوری یا غیر دستوری و تشخیص علامات خاص بافتی (متنی) است تا بتوان بمعانی جملاتی که دارای یک "روساز" یا "ژرفساز" های مختلف هستند یا اینکه دارای یک "ژرفساز" یا "روساز" های مختلف هستند پی برد. بنابراین خواننده در وهله اول باید به معانی کلمات و پسوند و پیشوندهای آنها پی ببرد تا بتواند مفهوم جمله را دریابد. سپس باید ساختمان دستوری آن زبان مورد مطالعه را بداند تا قادر باشد که ابهامات، تشابهات و اختلافات را درک کند و در نتیجه بمعنای آن جملات پی ببرد. گودمن (۱۱) (۱۹۷۰) در این باره چنین می‌گوید که "معنی" "گردآورنده" است بدین معنی که خواننده در طی خواندن بتدریج مطلب را جمع آوری کرده و سپس به مفهوم آن پی می‌برد. کسی می‌تواند مطلبی بخواند که ساختمان ترکیبی جمله را خوب آموخته باشد تا در نتیجه قادر بدرک معنی و تجزیه و تحلیل پیام نوشتاری و تعبیر بر اساس متن باشد.

کنز و فودور (۱۲) (۱۹۶۳) معتقدند که در زبان "معنی" اصل اساسی است اما اضافه می‌نمایند که معنی عبارات و جملات، مستقل از متنی است که در آن ظاهر می‌شود. چامسکی (۱۹۵۷) همچنین می‌گوید که ساختمان دستوری و معنی کاملاً از هم مجزا هستند، حال آنکه آلر، سیلز و هرینگتون (۱۳) (۱۹۶۹) اظهار می‌دارند که یک عبارت یا جمله به تنهایی نمی‌تواند معنی خاص داشته باشد مگر اینکه در متن ظاهر شده باشد.

خواندن مستلزم: "صلاحیت زبانی" (۱۴) است که اشاره به معلومات دائمی خواننده در آن زبان می‌کند. چامسکی (۱۹۶۵) می‌گوید معلومات زبانی شامل توانائی فهم جملات بیشمار است. خواننده باید مقداری جملات محدود بیاموزد تا بتواند بر اساس آنها جملات بیشماری را درک نماید. خواننده باید صاحب "صلاحیت ارتباطی" (۱۵) باشد که حاکی از توانائی درک و تعبیر و تفسیر زبان در موقعیت‌های گوناگون فرهنگی - اجتماعی است. در حقیقت خواننده نه تنها باید معانی زبانی را درک کند بلکه قادر بفهم معانی فرهنگی، فلسفی و روانی هم باشد. او باید اطلاعات را جمع آوری کرده و بر اساس آنها مطالب را تجزیه و تحلیل نموده و سپس جذب و هضم نماید. بطور کلی در خواندن، زبان‌شناسی با تشخیص و شناخت حروف و کلمات و درک عبارات و جملات سروکار دارد. حتی دستورگشتاری هم که در دوسطح مختلف "روساز" و "ژرفساز" عمل می‌نماید، مراحل فکری و عوامل

روانی را که منتهی به "ژرفساز" و اشتقاق معنی از یک ردیف کلمات که زنجیروار بدنیاال یکدیگر قرار دارند نادیده می‌گیرد، حال آنکه درک مفهوم بدون دخالت عوامل روانسی بطورکلی غیرممکن است. بنابراین اطلاعات زبانشناسی در شناخت مراحل زبانی خواندن بسیار ضروری است ولی کامل نیست زیرا مراحل روانی مکمل مراحل زبانی هستند و یکی بدون دیگری کاملاً "فلج" است.

جنبه‌های روانی خواندن

خواندن بعنوان یک مرحلهٔ فکری، تخیلی، ارزشیابی و تعبیری شناخته شده است. دی‌بوئر و دالمن (۱۶) (۱۹۷۰) خواندن را یک مرحله فعال ارتباطی می‌دانند در صورتیکه فریز (۱۹۶۳) خواندن را یک مرحله غیرفعال می‌داند ولی ریوزر (۱۷) (۱۹۷۱) کاملاً "بانظر" او مخالف است و خواندن را یک کار فکری فعال می‌داند؛ زیرا هنگام خواندن و درک مفاهیم متن فعالیت‌های گوناگون در مغز انسان صورت می‌گیرد.

گری (۱۸) (۱۹۶۰) مراحل روانی خواندن را به چهار دسته تقسیم می‌نماید:

- (۱) ادراک (۲) فهم (۳) عکس‌العمل (۴) درهم آمیختگی. از نظر ادراک، توانائی تشخیص کلمات در مطلب نوشتاری، فهم، قدرت استخراج معنی از کلمات متن، عکس‌العمل، تأیید یار مطالب بیان شده در متن و بالاخره درهم آمیختگی، قدرت و ارتباط فکر با تجربیات گذشته است تا بتوان به تحول فردی کمک نمود. گیتز (۱۹) (۱۹۵۵) اضافه می‌نماید که خواندن یک مرحله فعال و خلاقه فکری است که تفکر، ارزشیابی، تخیل، برهان و حل مشکلات را به همراه دارد. هنگامی که خواننده مشغول خواندن است او براساس متن خوانده شده قضاوت‌های اولیه‌ای می‌نماید که بعداً آنها را تأیید و یا اینکه بسط می‌دهد.
- لی و آلن (۲۰) (۱۹۶۳) خواندن را یک مرحله منعکس‌کننده معنی می‌دانند. در هر صورت نمادهای نوشتاری، معانی خاصی منعکس نمی‌سازند بلکه مخیله خواننده را برای تعبیر تحریک می‌نمایند. گودمن (۱۹۷۰) خواندن را "یک بازی حدس روانی - زبانی" می‌داند که ارتباط بین مطلب نوشتاری و فکر خواننده برقرار می‌سازد. خواندن صحیح و موثر معمولاً نتیجه برگزیدن علامات صحیح نوشتاری در متن است که می‌توان براساس آنها حدس زد. هنسر پیش‌بینی کلمات و عبارات در خواندن بسیاری ضروری است زیرا بدین صورت می‌توان خواندن را فعالیتی "جمع‌آورنده" خواند. اسپنسر (۲۱) (۱۹۷۰) خواندن را مرحله پاسخگوئی به محرک‌های گوناگون می‌داند حال آنکه چامسکی (۱۹۷۳) می‌گوید اگر انسان خودش را

محدود به یک سلسله پاسخهای عادت‌ی خاصی نسبت به محرکهای خاصی نماید، می‌توان او را در زمره "انسانهای ناقص‌العقل یا حیوانات بشمار آورد.

اسپنسر عمل خواندن را شامل چهار مرحله مداوم و مرتبط (۱) تحریک (۲) جذب (۳) ادراک (۴) و پاسخ می‌داند.

هنگامی که خواننده با محرکهای مختلف روبرو می‌شود باید به بعضی از آنها پاسخ دهد و محرکهای دیگر را نادیده بگیرد. خواندن مرحله پاسخ به محرکهای بصری است. این عکس‌العمل نسبت به نوشته، خود بخود هم‌زمان انتقال داده می‌شود که بنوبت به دستگاه دماغی فرمان می‌دهد تا پاسخ مناسب به محرکها داده شود. چامسکی (۱۹۷۳) این نظریات را بباد انتقاد می‌گیرد و اصطلاحات "محرک (۲۲)"، "پاسخ (۲۳)"، "عادت (۲۴)" و "تعمیم (۲۵)" را بطور کلی مردود می‌شناسد و بجای آنها اشاره به "جنبه‌نوسازی و خلاقیت کاربردی زبان" می‌نماید.

آلر (۲۶) عقیده چامسکی را درباره "تعمیم"، رد می‌کند و می‌گوید بسیاری از روان‌شناسان مانند برونر، گودناو و اوستن (۲۷) (۱۹۵۶) و هانت (۲۸) (۱۹۶۲) به اهمیت قدرت بشر برای تقسیم‌بندی پدیده‌ها که انعکاس اصل عمومیت یا تعمیم است پی برده‌اند. اسپنسر دومین مرحله خواندن را درک بصری می‌داند. او بین رویت و بینش فرق قائل است. رویت یک پدیده پذیرنده حسی و بینش یک محصول ادراکی است.

ادراک که سومین مرحله خواندن است در حقیقت همان "درک مفهوم (۲۹)" می‌باشد. انیسفلد (۳۰) (۱۹۶۶) ادراک را مرحله آغاز پاسخ به محرکهای محیطی می‌داند. او سه جزء را در ادراک متمایز می‌سازد: محرک فیزیکی، محرک حسی و قوه ادراک. محرک فیزیکی در محیط موجود است در حالیکه محرک حسی فقط بعضی از جنبه‌های محرک فیزیکی را ثبت می‌نماید. تعبیرات ادراکی یک متن بلافاصله بعد از دیدن آن (محرک فیزیکی) و انتقال آن به حواس (محرک فیزیکی) و انتقال آن به حواس (محرکهای حسی) صورت می‌گیرد. بمحض اینکه خواننده مشغول خواندن می‌شود، آغاز به ایجاد فرضیاتی می‌نماید و پس از ادامه دادن بخواندن، آن فرضیات را قبول یابد می‌کند و در عین حال اطلاعات جذب شده را با بررسی اطلاعات حسی تقسیم‌بندی می‌نماید.

خواندن به حافظه که مخزن ثبت ادراکات است نیاز دارد. لازم به یادآوری است که بطور کلی دو نوع حافظه وجود دارد: "حافظه کوتاه مدت" (۳۱) برای حفظ مطالب بمدت کوتاه و "حافظه دراز مدت" (۳۲) برای نگهداری اطلاعات در طی زمان طولانی.

اسپنسر می‌گوید که حافظه نمایانگر اعمال مغز است. ظرفیت اعمال حافظه خارق‌العاده

است. بطور مثال، یک مغز معمولی شامل ۱۰۰۰ سلول نرون است که هر سلول بطور متوسط ۲۵۰۰۰ عامل ارتباطی دارد. هر نرون شامل میلیونها ملکول RNA و هر ملکول ممکن است ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ مطلب اطلاعاتی را جمع آوری نماید.

باید دانست که حافظه بدون یادآوری برگزیننده در خواندن بیفایده است. خواننده باید قادر به حفظ معلومات جذب شده در هنگام خواندن باشد و در عین حال بتواند معلومات سابق را بوقت نیاز بخاطر بیاورد.

اسپنسر نظریه انیسفلد را درباره فرضیه سازی در حین خواندن کامل می نماید و می گوید که تعبیر متن نیاز به درک ارتباطات مبتنی بر دلیل و استخراج استنباطات دارد تمام این مهارت های خواندن مستلزم مراحل ادراکی است.

"(۳۴)

کوهن (۳۳) (۱۹۷۰) اشاره به تفاوت های فردی در مورد بکار بردن "استراتژی های تنظیم کننده حافظه می نماید. بعلاوه استراتژی تنظیم کننده ای که در حافظه بکار برده می شود بعضی از افراد آهسته و برخی دیگر سریع می خوانند.

در هر حال خواندن تحت تاثیر تعلیم قرار می گیرد و می توان خوانندگان خوب تربیت کرد. مهمتر از آن اینست که حافظه اساس یادآوری مفهوم متن در خواندن است. بدون حافظه خواننده نمی تواند قادر به جذب مطالب خوانده شده باشد تا اینکه بعدها بتواند آن ها را بمطالب متن ارتباط دهد و پیام نوشتاری را درک نماید.

اسپنسر سه مرحله اول را مراحل جذب در خواندن می داند و مرحله چهارم را مرحله پاسخ می نامد. این مرحله پاسخ، عکس العملی است بمحرک جذب شده و تعبیر شده در مراحل قبسل.

سیستم بصری در اصل سازنده است. چشم های انسان در معرض اطلاعات بیشتری از آنکه مغز بتواند هضم کند قرار می گیرند. در هر حال چشم ها باندازه کافی مطلب برای مغز انتخاب می نمایند تا هضم و جذب کنند. البته چشم ها اطلاعات را تصادفی و اتفاقی جمع آوری و به مغز انتقال نمی دهند بلکه درست بر حسب دستوراتی که از مغز دریافت می دارند عمل می نمایند. اطلاعات جمع آوری شده در واحدهائی حدود سه یا چهار بار در ثانیه به حافظه کوتاه مدت منتقل می شوند. این مطالب می توانند شامل عبارات معنی دار باشند. بنابراین با خواندن عبارات طولانی خواننده می تواند به محدودیت های حافظه کوتاه مدت غلبه نماید. چکیده مطالب نگهداری شده در حافظه کوتاه مدت به حافظه دراز مدت انتقال می یابد و در آنجا برای یادآوری و استفاده بعدی ذخیره می شود.

محرکات چشمی را بوسیله تشبیت آنها در روی صفحه متن برای جمع آوری

هدایت می‌نماید. حرکات چشمی برحسب مطالبی که باید برای استخراج معنی جمع‌آوری شوند می‌توانند "پیش‌رونده (۳۵)" یا "پس‌رونده (۳۶)" باشند.

کولرز (۳۷) (۱۹۷۰) می‌گوید که در گذشته روان‌شناسان به اشتباه گمان می‌داشتند که چشم‌ها بطور مداوم و یکنواخت در روی کلمات حرکت می‌کردند.

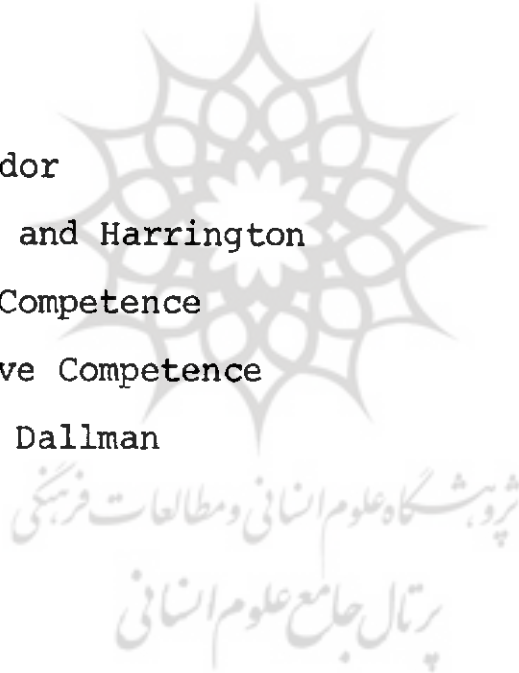
هیوئی (۳۸) (۱۹۰۸)، هاچ‌برگ و بروکز (۳۹) (۱۹۷۰)، کرول (۴۰) (۱۹۷۰) براون (۴۱) (۱۹۷۰) و اسمیت (۴۲) (۱۹۷۰) با نظر کولرز موافق هستند که چشمان در حرکات کوتاه و متحرک که "سکید (۴۳)" نامیده می‌شوند در روی صفحه پیش می‌روند. چشم‌ها معمولاً همیشه حرکات پیش‌رونده ندارند بلکه گاهی حرکات چشم‌ها متوقف می‌شود و برای جمع‌آوری مطالبی که به آن باندازه کافی توجه نشده است دوباره به جملات، عبارات و کلمات قبلی رجوع می‌نمایند، حرکات چشمی افراد با سواد میزان مداوم سه یا چهار بار در دقیقه دارد. کولرز می‌گوید خواننده‌های خوب و بد در سرعت خواندن با یکدیگر متفاوت نیستند بلکه در طبیعت مطالبی که در هر تثبیت چشمی جذب شده است با هم فرق دارند.

خواندن، مرحله‌ای پیش‌رونده است که با شناسایی حروف و کلمات شروع می‌شود و با جذب و تحلیل، درهم‌آمیختن و استنتاج سطوح مختلف معنی پیام ادامه می‌یابد. عبارت دیگر، خواندن از درک کلمات و عبارات طولانی‌تر به ایجاد مفهوم و بالاخره خواندن خلاصه که برای ادبیات ضروری است منتهی می‌شود.

در جذب مطالب خواندنی، خواننده یا کلمات را بطور مجزا در متن شناسایی می‌نماید و بعد معنی آن را درک می‌کند یا اینکه با دیدن کلمات در روی صفحه مستقیماً "بمعنی متن پی می‌برد". در خاتمه باید ذکر کرد یک خواننده متبحر در جهت خاصی در متن فعالانه پیش می‌رود و فقط روی عبارات و جملات ثابت می‌شود نه روی کلمات و حروف. او فقط وقتی حرکات چشمی پس‌رونده خواهد داشت که مطلب خواندنی دشوار یا نا آشنا باشد. خواننده یک استراتژی خاص برای انتخاب، نمونه‌برداری و پیش‌بینی مطالبی که بعدها در متن خواهد آمد اتخاذ می‌نماید.

حواشی

1. Bloomfield and Barnhart
2. Gibson, Schurcliff and Yonas
3. Fries
4. Word Method
5. Lefevre
6. Surface Structure
7. Chomsky
8. Deep Structure
9. Perlmutter
10. Ruddell
11. Goodman
12. Katz and Fodor
13. Oller, Sales and Harrington
14. Linguistic Competence
15. Communicative Competence
16. De Boer and Dallman
17. Rivers
18. Gray
19. Gates
20. Lee and Allen
21. Spencer
22. Stimulus
23. Response
24. Habit
25. Generalization
26. Oller
27. Bruner, Goodnow and Austin
28. Hunt



29. Comprehension
30. Anisfeld
31. Short-term Memory
32. Long-term Memory
33. Cohen
34. Strategy
35. Progressive
36. Regressive
37. Kolars
38. Huey
39. Hochberg and Brooks
40. Carroll
41. Brown
42. Smith
43. Saccade



منابع و مآخذ

- Anisfeld, Moshe. "Psycholinguistic Perspective on Language Learning." In Trends in Language Teaching. Edited by Albert Valdman. New York: McGraw-Hill, Inc., 1966.
- Bloomfield, Leonard. "Why a Linguistic Society?" Language, I (1925), 1-5.
- and Clarence Barnhart. Let's Read. Detroit: Wayne State University Press, 1961.
- Brown, Roger. Psychology and Reading: Commentary on Chapters 5-10. New York: Basic Books, Inc., 1970.
- Bruner, J., J. Goodnow and C. Austin. A Study of Thinking. New York: Wiley Press, 1956.
- Carroll, John. "The Nature of the Reading Process." In Theoretical Models and Processes of Reading. Edited by Harry Singer and Robert Ruddell. Newark: International Reading Association, 1970, 292-304.
- The Study of Language. Cambridge: Harvard University Press, 1961.
- Chomsky, Noam. Aspects of the Theory of Syntax. Cambridge: The M.I.T. Press, 1965.
- Language and Mind. (Enlarged Edition). New York: Harcourt Brace Jovanovich, Inc., 1972.
- "Linguistic Theory." In Focus on the Learner: Pragmatic Perspectives for the Language Teacher. Edited by John Oller, Jr. and Jack Richards. Rowley: Newbury House Publishers, Inc., 1973, 29-35.
- "Phonology and Reading." In Basic Studies on Reading. Edited by Harry Levin and Jonna Williams. New York: Basic Books, Inc., 1970, 3-18.

- Syntactic Structures. The Hague: Mouton, 1957.
- Cohen, Shelley. "Organizing Strategies and Performance on Short-term Memory Tasks." Dissertation Abstracts, Humanities, 31 (Nov.-Dec., 1970), 2172-A.
- DeBoer, John and Martha Dallman, The Teaching of Reading. New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc., 1970.
- Fries, Charles. Linguistics and Reading. New York: Holt, Rinehart and Winston, Inc., 1963.
- Gates, Arthur. The Improvement of Reading. (Third Edition). New York: The Macmillan Co., 1974.
- Gates, Arthur. "The Nature of Reading." In Problems in the Improvement of Reading. (Second Edition). Edited by Ruth Strang, Constance M. McCullough and Arthur E. Traxler. New York: McGraw-Hill Book Co., Inc., 1955.
- Gibson, Eleanor, Arthur Schurcliff and Albert Yonas. "Utilization of Spelling Patterns by Deaf and Hearing Subjects." In Basic Studies on Reading. Edited by Harry Levin and Joanna Willis. New York: Basic Books, Inc., 1970, 57-73.
- Goodman, Kenneth. "Reading: A Psycholinguistic Guessing Game." In Theoretical Models and Processes of Reading. Edited by Harry Singer and Robert Ruddell. New York: International Reading Association, 1970, 259-271.
- Gray, William. On Their Own in Reading. Chicago Scott Foresman, 1948.
- Hochberg, Julian and Virginia Brooks. "Reading as an Intentional Behavior." In Theoretical Models and

- Processes of Reading. Edited by Harry Singer and Robert Ruddell. New York: International Reading Association, 1970, 304-314.
- Huey, Edmond. The Psychology and Pedagogy of Reading. Cambridge: The M.I.T. Press, 1908.
- Katz, J. and J. Fodor. "The Structure of a Semantic Theory." Language. 39 (1963), 170-210.
- Kolers, Paul. "Three Stages of Reading." In Basic Studies on Reading Edited by Harry Levin and Joanna Williams. New York: Basic Books, Inc., 1970.
- Lee, Dorris and R. Allen. Learning to Read Through Experiences. New York: Appleton-Century-Crafts, 1963.
- Lefevre, Carl. Linguistics and The Teaching of Reading. New York: McGraw-Hill Book Company, 1969.
- Oller, John. "Some Psycholinguistic Controversies." In Focus on the Learner: Pragmatic Perspectives of the Language Teacher. Edited by John Oller, Jr. and Jack Richards. Rowley: Newbury House Publishers, Inc., 1973, 36-52.
- Oller, and B. Sales and R. Harrington. "A Basic Circularity in Traditional and Current Linguistic Theory." Lingua. 22 (1969), 317-328.
- Perlmutter, David. Deep and Surface Structure Constraints in Syntax, New York: Holt, Rinehart and Wingston, Inc., 1972.
- Rivers, Wilga. Teaching Foreign-Language Skills. Chicago: The University of Chicago Press, 1971.
- Ruddell, Robert. "Language Acquisition and The Reading Process." In Theoretical Models and Processes of

Reading Edited by Harry Singer Robert Ruddell.
New York: International Reading Association,
1970, 1-19.

Smith, Henry. Psychology in Teaching Reading. Englewoods
Cliffs: Prentice Hall, Inc, 1961.

Smith, Frank. Understanding Reading. A Psycholinguistic
Analysis of Reading and Learning to Read. New
York: Holt, Rinehart and Winston, Inc, 1971.

Spencer, Peter. Reading Reading. Claremont: Alpha Iora
Chapter of Phi Lambda Theta, 1970.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی